

## ۱۲ فرهنگ نسبتاتاریخی

بیرون از مصاحبه

**روزگار کودکی سیدحسن آیت چگونه گذشته است؟**

## اذان‌گویی در ایوان خانه

سیدعلی آیت از روزگار کودکی و زندگی خانوادگی‌شان هم روایت‌های جذابی دارد. او می‌گوید: ویژگی‌های اخلاقی برادرم کاملاً منحصر به خود او بود. یادم هست وقتی بچه‌های محل به بازی‌های دسته جمعی می‌پرداختند، معمولاً شرکت نمی‌کرد و اگر هم گاهی شرکت می‌کرد، فضا را به شکل مدبرانه‌ای به سمت يك محفل اخلاقی و علمی سوق می‌داد.

عادات کودکی و نوجوانی شهید آیت موضوع دیگری است که در خلال صحبت‌های برادر مدام به آن اشاره می‌شود.

سیدعلی درباره سیدحسن این‌طور اظهارنظر می‌کند: برادرم داستان‌های تاریخی و روایت‌های مذهبی زیادی را از حفظ بود و بیان گرم و شیوایی هم داشت، به‌خصوص داستان‌های دنباله‌داری چون قصه حضرت یوسف(ع) یا داستان‌هایی از جنس بینوایان ویکتور هوگو را تعریف می‌کرد و همه را مشتاق شنیدن قسمت‌های بعدی داستان نگه می‌داشت.

او می‌افزاید: قصه‌ها را هم به قدری شیرین تعریف می‌کرد که افراد کار و زندگی و بازی خود را رها می‌کردند و منتظر می‌ماندند او دنباله قصه را تعریف کند. یکی دیگر از ویژگی‌های او، تقید به انجام تکالیف دینی بود. او از هفت هشت سالگی همراه پدر به مسجد می‌رفت و در نماز جماعت شرکت می‌کرد. هنگام غروب هم در جلوی ایوان خانه در کنار پدر یا صدای بلند اذان می‌گفت!

سیدعلی ادامه می‌دهد: خانواده ما به‌رغم این‌که امکانات مالی مناسبی نداشت، اما به دلیل زمینه‌های مذهبی و فرهنگی قوی، بستر مناسب و آماده‌ای برای رشد فضایل اخلاقی بود. جد مادری ما می‌رسید به آیت‌ا... علی نجف‌آبادی از مجتهدان معروف زمانه خود و صاحب فضایل و کرامات بی‌شمار می‌رسید. ایشان با وجودی که مجتهد بزرگی بود از خود رساله‌ای باقی نگذاشت، زیرا معتقد بود با توجه به تغییر مسائل در گذر زمان، فتاوا هم تغییر می‌کنند و لذا اظهار نظر مکتوب چندان ضرورتی ندارد و رساله‌های افراد پس از فوت آنها از اعتبار می‌افتند و چندان استفاده‌ای ندارند.

او به بیان خاطره‌ای از زندگی جد مادری‌شان پرداخته و بیان کرد: گفته می‌شد عوامل حاکم وقت اصفهان هنگام سفرنرانی ایشان، معابر را می‌بستند و با ضرب و شتم حضار و بازداشت وی در کنسولگری روس، مانع منبر رفتن ایشان می‌شدند.

برادر شهید آیت می‌گوید: عوامل و اوپاش وابسته به حاکم اصفهان و کنسولگری روس، يك بار به منزل ایشان در نجف‌آباد حمله کردند و به ضرب و شتم ساکنان خانه پرداختند و در این میان ضربه‌ای به شکم همسر باردار ایشان خورد که موجب شد پسری که به دنیا آمد تا آخر عمر با اختلالات جسمی و روحی فراوانی دست به گریبان باشد! در آن جریان آیت... نجف‌آبادی را بازداشت کردند، اما به دلیل اعتراض مردم، حاکم اصفهان و کنسول روس ناچار می‌شوند ایشان را آزاد کنند. کنسول روس اموال مسروقه را پس می‌دهد، ولی اموال مسروقه توسط عوامل حکومتی اصفهان برگردانده نمی‌شوند!



سیدعلی آیت ادامه می‌دهد: جد پدری ما مرحوم حاج سیدمحمد نوریان، از خیرین معروف نجف‌آباد و مرجع حل مشکلات اهالی محل زندگی خود بود که به دلیل مخالفت با رفتارهای ضداسلامی رضاخان، در اواخر عمر مدتی در بازداشت و زندان به سر برد و سرانجام با اعمال نفوذ آیت... آیت نجف‌آبادی از زندان آزاد شد. ایشان هم فرد تحصیلکرده‌ای بود و تحصیلات حوزوی را تا حد اجتهاد ادامه داد، اما بعدها به دلایلی، تحصیلات حوزوی را رها کرد و به کشاورزی پرداخت.



### همه چیز فدای کتاب

برادر شهید آیت می‌گوید، سیدحسن به خاطر تنگی معیشت خانواده، معمولاً نمی‌توانست کتاب‌های درسی خود را تهیه کند، ولی اگر گاهی پولی به دستش می‌رسید از تمام ضروریات و خواسته‌های نوجوانی و جوانی خود صرف‌نظر و به کمترین چیزها اکتفا می‌کرد و با آن پول مجله، روزنامه و کتاب می‌خرید. کتاب‌های



در این تصویر شهید حسن آیت در جلسه‌ای با حضور شهید بهشتی و آیت‌ا... خامنه‌ای دیده می‌شود (نفر اول سمت چپ)



**برادر شهید آیت در سالروز شهادتش از او می‌گوید**

# مجتهد بدون عبا و عمامه وریش

روزهای اکنون یادآور خاطره ترور شهید دکتر سید حسن آیت است. او در ۱۴ مرداد سال ۶۰ به شهادت رسید. گفت و شنود پیش رو، به همین مناسبت با برادر این شهید انجام شده است. سیدعلی آیت، برادر او در طول این سالیان، کمتر مجال یافته است که خاطرات ناگفته خویش را از برادر بیان کند. هم از این روی گفته‌های او در این مصاحبه خواندنی و مغتنم به‌شمار می‌رود. برادر شهید آیت در این گفت‌وگو نکات بسیار مهمی را درباره زندگی تاترور برادر بیان می‌کند. امید آن‌که تاریخ‌پژوهان انقلاب و عموم علاقه‌مندان را مقید و مقبول آید.



محمدرضا کائینی

جام جم

**✎ دکتر آیت از نظر علمی و تحصیلی جایگاه ویژه‌ای دارد. ایشان چه مدرجی را طی کرد؟**

تحصیلات ابتدایی را تا قبل از شش سالگی در دبستان منوچهری نجف‌آباد سپری کرد. البته چون سنش کم بود مشکلاتی هم پیش آمد، ولی وقتی مسؤولان مدرسه متوجه شدند نسبت به سطح کلاس اول، او از معلومات و استعداد بالاتری برخوردار است، به شکلی مشکل قانونی صفر سن او را حل کردند. دکتر آیت تا کلاس پنجم دبیرستان، در نجف‌آباد درس خواند و سال آخر دبیرستان را به اصفهان رفت. بعد از اخذ دیپلم، همزمان در سه رشته ادبیات فارسی، علوم اجتماعی و معقول و منقول (الهیات) در دانشسرای عالی و دانشگاه تهران تحصیل کرد و همزمان سه مدرک کارشناسی در این رشته‌ها گرفت. آیت به خاطر تعهد خدمتی که داشت، دو سال در شهرستان فریدن از توابع اصفهان خدمت کرد، اما به خاطر جو سنگین خان‌خانی و فشار ملاکین برای گرفتن نمره برای فرزندان، استعفا داد و سپس به دامغان تبعید شد. بعد به تحصیل در رشته علوم اجتماعی ادامه داد و با کسب رتبه اول مدرک کارشناسی گرفت. آن زمان شاگردان اول هر دانشکده‌ای را برای ادامه تحصیل به خارج می‌فرستادند، ولی با اعمال نفوذ او از این امتیاز محروم کردند و نفر دوم را به‌جای او اعزام کردند!

دکستر آیت در دهه ۴۰، در کلاس‌های روزنامه‌نگاری هم شرکت کرد و مدرک روزنامه‌نگاری گرفت. در دوره نخست‌وزیری دکتر امینی، توسط مؤسسه روزنامه اطلاعات يك‌سری کرسی‌های آزاد تشکیل می‌شد و شهید آیت در این جلسات شرکت فعال داشت. او همزمان با تحصیلات کلاسیک، دروس حوزه را هم ابتدا در خانه و سپس حوزه نجف‌آباد دنبال کرد و تا حد تجزی پیش رفت. شهید آیت حافظه خارق‌العاده‌ای داشت و هر مطلبی را کافی بود فقط يك بار بخواند تا به حافظه بسپارد. با این‌که رشته‌های تحصیلی او ظاهراً به سیاست ربطی نداشتند، اما به دلیل مطالعات و گستردگی معلومات، دوستانش لقب دانه‌المعارف رجال سیاسی ایران و خاورمیانه را به او داده بودند! تسلط او به مسائل فقهی و سیاسی به قدری عمیق بود که نقل شده است در زمان تشکیل مجلس خبرگان تدوین قانون اساسی، زمانی که شهید آیت در باره اصل ولایت فقیه بحث می‌کرد، امام فرمودند: «مجتهد بدون عبا و عمامه و ریش!» شهید آیت به زبان‌های عربی و انگلیسی تسلط داشت و آلمانی و فرانسه را هم در حد

درسی را از هم‌کلاسی‌هایش می‌گرفت و خیلی سریع ورق می‌زد و کتاب را برمی‌گرداند و معمولاً هم بهترین نمرات را می‌گرفت! او ادامه می‌دهد: در آن دوره کسب علم و سواد رونقی نداشت. اما مادرمان همیشه روی این نکته پافشاری می‌کردند، خانواده از لحاظ معیشتی و وضعیت اقتصادی فوق‌العاده در تنگنا بود و ظاهراً این‌طور به نظر

می‌رسید که بهتر است بچه‌ها به جای کسب علم در تأمین معاش خانواده مشارکت کنند، اما مادرمان تا آخر عمر که بر اثر روماتیسم و آرتروز زمینگیر شد، علاوه بر اداره خانواده ۹ نفره - ایشان سرپرست فرزندان برادر فقیدش هم بود - در کشاورزی هم به پدر کمک می‌کرد و قالی هم می‌بافت!



او چون نه از نظر اقتصادی و نه از نظر موقعیت اجتماعی در شرایطی نبود که بتواند تشکیلات خودش را راه بیندازد، همواره در حد وسع و توان خود به دنبال آگاهی‌بخشی و متشکل کردن نیروهای کارآمد و مستعد بود و به همین دلیل با الهام از انقلاب‌های مصر، گویا، الجزایر و... در ارتش، دانشگاه‌ها، حوزه‌های علمیه، بازار و گروه‌های مذهبی مستعد هسته‌های مقاومتی را که با افکار و عقاید او سازگاری داشتند تشکیل داد. با پیروزی انقلاب معلوم شد ایشان در این امر تا حد زیادی موفق بوده و افراد زیادی را در جاهای مختلف برای تصدی امور انقلاب آماده کرده است، از جمله شهید نامجو، شهید کلاهدوز، شهید صیاد شیرازی و... را در ارتش و مرحوم پرورش، مرحوم اسرافیلیان، دکتر صادقی، کلهر و... را در دانشگاه و آموزش و پرورش. آیت در سال‌های ۱۳۳۱، ۱۳۳۲، در ۱۵ سالگی نامه مفصلی به آیت... بروجردی مرجع وقت شیعیان می‌نویسد و از ایشان می‌خواهد به حمایت از آیت‌ا... کاشانی و اهداف ایشان در سیاست دخالت کنند. متأسفانه اصل این نامه به دست نیامد. پس از درگذشت آیت... کاشانی، شهید آیت در آغاز دهه ۴۰ و ظهور نهضت اسلامی، تمام تمرکز و فعالیت خود را در چارچوب حمایت از خط امام و پیروی از افکار و برنامه‌های ایشان تنظیم می‌کند. او هم مثل امام معتقد بود می‌توان از پتانسیل عظیمی که در عزاداری‌ها و مراسم مذهبی شیعیان وجود دارد، برای ایجاد انقلاب و براندازی رژیم ستمشاهی استفاده کرد، به همین دلیل در اکثر مراسم‌های مذهبی شرکت می‌کرد.

**✎ در زمینه اعتقادات مذهبی دکتر آیت هم، حرف و حدیث‌های زیادی مطرح شد و مخالفان ایشان سعی می‌کردند در این مورد هم شبهه افکنی کنند. بد نیست در این زمینه هم به نکاتی اشاره کنید؟**

شهید آیت با توجه به ریشه‌های مذهبی عمیق و اصولی خانواده، از همان کودکی تقید خاصی به احکام و معارف اسلامی داشت. برای آشنایی با زوایای اعتقادی و مذهبی شهید آیت، غیر از سلوک شخصی و اجتماعی وی، شما را رجاع می‌دهم به نامه‌ای ۹۰ صفحه‌ای که در سال ۱۳۴۲ و در ۱۵ سالگی برای دکتر بقایی نوشت. پژوهشگر معاصر حسین آبیادین این نامه را همراه با مدارک و اسنادی که هنگام بازداشت دکتر بقایی به دست آمد، چاپ کرده است. این نامه تا حد زیادی اعتقاد و افکار سیاسی و مذهبی شهید آیت را نشان می‌دهد و همین‌طور مشروح مذاکرات ایشان در مجلس خبرگان. گمان نمی‌کنم کسی به اندازه آیت درباره ابعاد مختلف اصل ولایت فقیه بحث و پافشاری کرده‌باشد.

شهید آیت در عمر کوتاه ۴۳ ساله خود چه قبل و چه بعد از انقلاب، از سوی مخالفان چپ و راست و رویس‌های جاسوسی داخلی و خارج کشور و خائنین وابسته به بیگانه و متعصبین نفهم داخلی، مورد ظلم و اهانت و ترور شخصیت بود. اما درد این بود که بعضی از دوستان و هم‌زمان کج سلیقه و بعضاً فرصت‌طلب هم از دشمنی و عناد با او فروگذار نکردند و به‌جای این‌که به هشدارهای به موقع او توجه کنند، سعی کردند صورت مساله را پاک کنند و دیدیم ملت و انقلاب از جانب کسانی که شهید آیت درباره آنها دانما هشدار می‌داد، چه ضربات جبران‌ناپذیری را تحمل

سیاسی هم مخالفان زیادی داشت و در این عرصه تقریباً تنها بود و از چپ و راست و حتی از سوی انقلابیون مورد طعنه و شماتت و متهم به تندروی بود! در حالی که تحلیل‌های او، حقیقتاً مبتنی بر اسناد و مدارک متقن و حاصل مطالعات گسترده و هوش سرشار و قدرت عجیب آینده‌نگری او بود.

**✎ دکتر آیت از زیره مبارزین و سیاسیونیی بود که به شدت ترور شخصیت شد. بد نیست به این نکته هم اشاره‌ای کنید.**

تکلیف فراماسون‌ها، لیبرال‌ها و گروه‌های چپ آمریکایی و روسی که معلوم است و علی‌القاعده باید علیه منطق محکم شهید آیت موضع‌گیری می‌کردند و به تخریب شخصیت وی می‌پرداختند، اما درد اصلی ایشان از کسانی بود که در جبهه انقلاب بودند، اما به دلیل درک پایین سیاسی و قدرت تحلیل ضعیف، انتقادات او را بر نمی‌تافتند و همصدا با صدا انقلاب او را تحت فشار قرار می‌دادند و در نتیجه شهید آیت در اوج مطلوبیت، ابتدا با بمباران شدید تبلیغاتی و اهانت و افترا ترور شخصیت و سرانجام هم به آن طرز فحیح ترور فیزیکی شد.

**✎ دکتر آیت چگونه به این قدرت درک و همواره دقیق، دست یافته بود؟**

همان‌گونه که اشاره کردم، اولاً، ایشان هوش و حافظه بی‌نظیری داشت. ثانیاً، درباره تمام رژیم‌های سیاسی حاکم بر دنیا مطالعات گسترده‌ای کرده بود و مخصوصاً از ریشه‌ها و تاریخچه کودتاها و کودتاهای شبه‌انقلابی در کشورهای مختلف دنیا به‌خوبی خبر داشت و همواره تأکید می‌کرد: اگر با تشکیلات قوی و منسجمی پیش نرویم، حتی در صورت پیروزی هم موفق نخواهیم شد، زیرا مافیای رسانه‌ای جهانی - که به دست فراماسون‌ها و صهیونیست‌ها اداره می‌شود - به سرعت در بدنه انقلاب نفوذ می‌کند و موجب انحراف و ناپودی آن می‌شود. او از همان دوره نوجوانی، تشکیلاتی فکر می‌کرد و پیوستن او به حزب زحمتکشان و پس از انقلاب هم حزب جمهوری اسلامی، دقیقاً که همین اعتقاد او به کار تشکیلاتی برمی‌گشت، اما متأسفانه در آن دو حزب هم نتوانست آرا و نظرات خود را به درستی تفهیم کند و در آنجا هم تحت فشار بود.

### نامش را از فهرست شهدا حذف کردند

سید علی درباره ترور و شهادت برادرش نکات مهمی را بیان می‌کند که در ادامه بخش‌هایی از آن را با هم می‌خوانیم: حرف و سخن درباره مطلوبیت شهید آیت و امثال ایشان فراوان است. دشمنی نسبت به او به قدری شدید بود و هنوز هم هست که نام او را حتی از فهرست شهدا حذف کردند! او تالظه آخر زندگی، بدون این‌که تحت‌تأثیر مقام مسؤول و غیرمسؤولی قرار بگیرد یا توهین و هتاک یا تحسین و تشویق کسی کمترین تأثیری روی او بگذارد، به راهش ادامه داد و کوچک‌ترین انتظاری هم از کسانی که سفت و سخت به

کرد و چه هزینه‌های سنگینی را پرداخت.

**✎ از واقعه ترور ایشان چه خاطره‌ای دارید؟**
شهید آیت همواره از طریق نامه، تلفن و پیام‌های مختلف تهدید می‌شد، مخصوصاً پس از اتمام مجلس خبرگان، تقریباً طیفی نبود که در میان افراد آن، دشمن قسم خورده نداشته باشد. سرانجام هم منافقین این ترور ناجوانمردانه را انجام دادند. پس از فاجعه ۷ تیر، کاملاً مشخص بود که به زودی سراغ آیت هم خواهند آمد. او در پاسخ به مقاله کیهان - که به سردبیری محمد خاتمی ده روز قبل از شهادتش علیه او چاپ شد- نوشت: «من همان دم که وضو ساختم از چشمه عشق/ چار تکبیر زدم یکسره بر آنچه که هست یا «اگر جهان همه دشمن شود به دولت دوست/ خبر ندارم از ایشان که در جهان هستند». این پاسخ کاملاً نشان می‌داد او به مرگ خویش نیز مثل تمام پیش‌بینی‌های دقیقی که انجام می‌داد، واقف بود.

او حتی به کسانی که محافظتش را به عهده گرفته بودند، هم اعتماد نداشت و يك بار تلفنی به من گفت اگر افراد مطمئنی را می‌شناسم معرفی کنم! او دایبت شدید داشت و قرار بود چند روز مرخصی بگیرد و همراه خانواده به سفر برود. مقدمات سفر هم فراهم شده بود، اما بسیار نگران انتخاب میرحسین موسوی به وزارت خارجه بود و دانما سفرش را غیب می‌انداخت تا هنگام رای‌گیری در مجلس حضور داشته‌باشد.

عصر شب ۷ تیر جلسه‌ای در حزب جمهوری تشکیل می‌شود و شهید بهشتی نامزدی میرحسین موسوی را برای وزارت خارجه مطرح و شهید آیت با این پیشنهاد مخالفت می‌کند. بحث‌های زیادی در این باره می‌شود و سرانجام اکثر اعضای حاضر به نامزدی میرحسین موسوی رأی مثبت می‌دهند. شهید آیت با خستگی و دلخوری به خانه برمی‌گردد و در جلسه آن شب حزب شرکت نمی‌کند و به طرز معجزه‌آسایی از آن حادثه جان سالم به‌در می‌برد. با این‌که کاملاً مشخص بود آیت در معرض ترور جدی است، محافظت درستی از او صورت نمی‌گرفت و حتی روز قبل از حادثه، محافظ او به مرخصی می‌رود و کسی جایش را نمی‌گیرد که رفتارش هنگام ترور مشکوک بود و به جای حفاظت از آیت خودش پشت صندلی ماشین پناه گرفت! تعداد ۶۲ گلوله با مسلسل کالیبر ۲۲ نشان می‌دهد چه خصومت و کینه‌ای پشت این ترور وجود داشت. ✎



آسیب‌های جدی به نظام زدند. متأسفانه ما همواره در طول تاریخ در تشخیص نواوب و نخبان واقعی خود دچار کوته‌بینی و تنگ‌نظری بوده و از این بابت هزینه‌های سنگینی پرداخته‌ایم. شهید آیت انصافاً يك نابغه سیاسی بود که قدر و قیمتش آن‌گونه که باید شناخته نشد. او در واقع کاشف خطوط و مهره‌های اصلی و بدلی انقلاب و بیش از هر کسی نسبت به نفوذ صهیونیسم، فراماسونری و مافیای قدرت در بدنه انقلاب حساس بود. افسوس که آن‌گونه که باید به افکارش وقعی نهاده نشد و پیش‌بینی‌های دقیقش مورد توجه قرار نگرفتند.

### زوم